



The Theological Foundations of Jihad from the Perspective of the Holy Quran

Maliheh Sheikhezadeh

Level 4 in Quranic Sciences and Teachings, Hazrat Zahra Specialized Higher Education Institute, Meybod, Yazd Province.

Email: shikhzade59@gmail.com

Abstract

Jihad against the enemies of the path of truth, from the perspective of Islamic teachings, is regarded as one of the most essential means of preserving the Islamic order, and a large number of verses of the Holy Quran are devoted to the importance and necessity of jihad. By examining the verses on jihad in the Holy Quran, the monotheistic foundation of this divine obligation becomes clear. The theological foundations of jihad from the perspective of the Holy Quran involve analyzing the impact of monotheistic beliefs on the legitimacy, causes, goals, and philosophy of jihad. The present study, using a descriptive-analytical method and relying on Quranic verses, seeks to provide a systematic explanation of the monotheistic foundations governing jihad in the Quran. Through an examination of the verses of the Holy Quran, the theological foundations of jihad can be categorized as follows: a) the theoretical foundations of monotheism, including essential monotheism, monotheism in divine acts, and monotheism in divine attributes, including divine power, divine justice, divine will, divine wisdom, and absolute divine perfection; b) the relationship between monotheism and the universe, including God's true ownership, creation lordship, legislative lordship, the operation of divine decree and destiny in the world, and the unified order of the whole universe.

Keywords: theological foundations, war, jihad, Holy Quran, monotheism.



الأسس اللاهوتية للجهاد من منظور القرآن الكريم

مليحة شيخي زاده

طالبة حوزوية في المستوى الرابع في العلوم والتعاليم القرآنية، معهد التعليم العالي التخصصي حضرة الزهراء في ميبد، محافظة يزد

Email: shikhizade59@gmail.com

الملخص

يُعدّ الجهاد ضد أعداء طريق الحق، من منظور التعاليم الإسلامية، من أكثر الوسائل ضرورةً لحفظ النظام الإسلامي، وقد خُصص عدد كبير من آيات القرآن الكريم لبيان أهمية الجهاد وضرورته. ومن خلال دراسة آيات الجهاد في القرآن الكريم تتضح الأسس التوحيدية لهذا الواجب الإلهي. وتتمثل الأسس اللاهوتية للجهاد من منظور القرآن الكريم في تحليل تأثير المعتقدات التوحيدية في مشروعية الجهاد، وأسبابه، وأهدافه، وفلسفته. وتعتمد هذه الدراسة، باستخدام المنهج الوصفي-التحليلي والاستناد إلى آيات القرآن، إلى تبين منظم للأسس التوحيدية الحاكمة للجهاد في القرآن. ومن خلال التدبر في آيات القرآن الكريم، يمكن تصنيف الأسس اللاهوتية للجهاد على النحو الآتي: أ) الأسس النظرية للتوحيد، وتشمل التوحيد الذاتي، وتوحيد الأفعال، وتوحيد الصفات، بما في ذلك القدرة الإلهية، والعدل الإلهي، والإرادة الإلهية، والحكمة الإلهية، والكمال الإلهي المطلق؛ ب) العلاقة بين التوحيد والكون، وتشمل الملكية الحقيقية لله تعالى، والربوبية التكوينية، والربوبية التشريعية، وجريان القضاء والقدر في العالم، ووحدة النظام العام لمجموع الكون.

الكلمات المفتاحية: الأسس اللاهوتية، الحرب، الجهاد، القرآن الكريم، التوحيد.



مبانی الهیاتی جهاد از منظر قرآن کریم

ملیحه شیخی زاده

طلبه سطح ۴ رشته علوم و معارف قرآنی، حوزه علمیه حضرت زهرا علیها السلام میبد، استان یزد

Email: shikhizade59@gmail.com

چکیده

جهاد با دشمنان راه حق از منظر آموزه‌های اسلامی جزء ضروری‌ترین اسباب حفظ نظام اسلامی است و تعداد زیادی از آیات قرآن کریم به بیان اهمیت و ضرورت جهاد اختصاص دارد. با بررسی آیات جهاد در قرآن کریم مبانی توحیدی این واجب الهی مشخص خواهد شد. مبانی الهیاتی جهاد از منظر قرآن کریم، به تحلیل تأثیر باورهای توحیدی بر مشروعیت، علل، اهداف و فلسفه جهاد از منظر قرآن کریم می‌پردازد. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر آیات قرآن به تبیین نظام‌مند مبانی توحیدی حاکم بر جهاد در قرآن می‌پردازد. با کنکاش در آیات قرآن کریم، مبانی الهیاتی جهاد را می‌توان بدین صورت دسته‌بندی کرد: الف: مبانی نظری توحید شامل توحید ذاتی، توحید افعالی و توحید صفاتی شامل قدرت الهی، عدل الهی، اراده الهی، حکمت الهی و کمال مطلق الهی؛ ب: رابطه توحید و جهان هستی شامل مالکیت حقیقی خداوند، ربوبیت تکوینی، ربوبیت تشریعی، جریان قضا و قدر در عالم و نظام واحد مجموعه عالم هستی.

کلید واژه: مبانی الهیاتی، جنگ، جهاد، قرآن کریم، توحید.



مقدمه

مسئله جهاد از دیرباز یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در حوزه دین، سیاست و اخلاق بوده است. در گفتمان رایج غربی، جنگ اغلب به عنوان پدیده‌ای سیاسی یا اقتصادی تحلیل می‌شود که ریشه در منافع ملی، توازن قدرت یا طبیعت تهاجمی انسان دارد، اما در نظام فکری اسلام، به ویژه از منظر قرآن کریم، جهاد پدیده‌ای مستقل از باورهای الهیاتی نیست. مشروعیت، علل، اهداف و آداب جهاد در اسلام، ریشه در عمیق‌ترین لایه‌های توحید و جهان‌بینی اسلامی دارد. قرآن کریم جهاد را تنها در چارچوب نظام توحیدی و با اذن الهی مشروع می‌داند و آن را به عنوان ابزاری برای دفع فساد، رفع فتنه، یاری مستضعفان و تحقق نظام واحد توحیدی و هماهنگی با قوانین تکوین تعریف می‌کند. در این نگاه، هرگونه جنگ تهاجمی و بدون اذن الهی، شرک در حاکمیت و مصداق طاغوت است؛ بنابراین، مبانی الهیاتی جهاد به جهت‌دهی الهی و اهداف و فلسفه جهاد از منظر قرآن کریم می‌پردازد.

پرداختن به مبانی الهیاتی جهاد از آن جهت ضرورت می‌یابد که اتهامات متعددی مبنی بر خشونت‌طلبی در اسلام مطرح می‌شود، بی‌آنکه به نظام توحیدی حاکم بر مفهوم جهاد توجه شود. بازخوانی دقیق مبانی توحیدی جهاد از منظر قرآن کریم، ضرورت نظری و نیاز عملی برای تشخیص جهاد مشروع از منظر آیات قرآن کریم می‌باشد. در همین راستا این نوشتار در صدد است به استخراج



مبانی الهیاتی جهاد در دو محور نظری و هستی‌شناختی پردازد.

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم مبانی

واژه مبانی جمع مبناست و مبنا، چنان‌که در کاربرد لغوی نیز آمده، ناظر به بنیاد و پایه‌ای است که امر دیگر بر آن بنا می‌شود (فراہیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۸۲)؛ از این رو این واژه با معنای بنا، بنیاد و اساس پیوند یافته است (دهخدا، ۱۳۵۹، ج ۱۳، ص ۲۰۱۱۹). مبانی گزاره‌های کلی و اخباری ناظر به حقایق تکوین است که زیربنای یک نظام فکری، دینی یا علمی بران‌ها استوار است. مبانی الهیاتی، به بیان باورهای حوزه خداشناسی در یک نظام توحیدی می‌پردازد.

۱-۲. مفهوم جهاد

جهاد در لغت از ریشه «جَهِد و جُهِد» به معنای مشقت و زحمت و همچنین به معنای توان و طاقت است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱). صاحب جواهر در تعریف اصطلاحی جهاد می‌گوید: «جهاد بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین است» (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۳).

۲. مبانی توحید نظری

مبانی نظری، با توجه به دسته‌بندی توحید نظری در سه عنوان «توحید ذاتی»، «توحید افعالی» و «توحید صفاتی» بررسی می‌شود.



۲-۱. توحید ذاتی

توحید ذاتی به این معناست که اولاً ذات خداوند متعال یکتاست و شبیه و شریکی در ذات ندارد. ثانیاً، بسیط است؛ یعنی اجزا و ترکیبی در ذاتش وجود ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۶۸).

ذات خدا یکتاست، یعنی موجودی جز «الله» از خود، وجود ندارد. به تعبیر فلسفی «توحید در وجوب وجود» یعنی تنها الله تبارک و تعالی است که وجودش به ذات ضروری است و وجود سایر موجودات از خداست (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۸۵). وقتی وجود و هستی موجودات به موجودی یگانه و بی نیاز وابسته باشد، چگونه می توان حق دخالت در امور دیگران و حتی امور مربوط به خودش را به او داد. موجود وابسته، در تمام شئون زندگی به موجود یگانه بی نیاز وابسته است. از جمله ی این امور، حق تصرف در امور گوناگون از جمله حق تصرف در حکومت و جهاد و قتال با دیگران است. آیت الله صافی، «توحید» را محور اصلی تمام مسایل اعتقادی، سیاسی و انتظامی اسلام می داند. ایشان می فرماید: خداوند یگانه، خالق، رازق، حاکم، مالک کل و بی نیاز از کل است؛ بنابراین حق ولایت مطلق بر تمام امور، مختص اوست. هر حاکمیت، ولایت و مالکیتی که به اذن او نباشد، استعلا و اظهار شرک و تصرف در شئون خداست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۸۶).

قرآن کریم می فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» (حج: ۳۹) حکم جهاد تنها از جانب خدا صادر می شود و مبتنی بر ظلم واقعی بر مؤمنان است و جنگ

تهاجمی بدون اذن الهی، شرک در حاکمیت به شمار می‌آید.

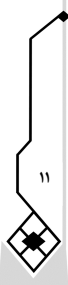
۲-۲. توحید افعالی

توحید افعالی به این معناست که خدا در انجام کارهایش نیازی به کمک و یاری ندارد و در انجام هر کاری، مستقل و یگانه است؛ البته این به معنای نفی تأثیر واسطه‌ها نیست، بلکه به معنای نفی تأثیر استقلال‌ی آن‌هاست؛ زیرا تمام واسطه‌ها در اصل وجود و تأثیرشان، به ذات خداوند وابسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۷۳).

به عبارت دیگر توحید افعالی یعنی هیچ فاعل مستقلی جز خدا در جهان وجود ندارد و تمام تأثیرات به اذن اوست. از منظر قرآن کریم در میدان جهاد، مؤمنان هرگز فاعل مستقل نیستند. «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا» (انفال: ۱۷). این آیه به روشنی نشان می‌دهد کشتن دشمن در میدان جهاد، در حقیقت فعل خداست و انسان فقط واسطه و وسیله‌ای به منظور اجرای اراده الهی است.

۲-۳. توحید صفاتی

توحید صفاتی به این معناست صفاتی که به خدای متعال نسبت داده می‌شود عین ذات خداوند و عین یکدیگرند و اختلاف‌شان با ذات و با یکدیگر، تنها در مفهوم است. صفاتی که به خدای متعال، نسبت داده می‌شود یا مفاهیمی است که با توجه به نوعی از کمال، از ذات الهی انتزاع می‌شود و صفات



ذاتی نامیده می‌شود یا مفاهیمی است که از نوعی رابطه بین خدای متعال و مخلوقاتش انتزاع می‌شود و بیانگر صفات فعلی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۴). در مبحث صفات ذاتی از رابطه کمال، قدرت و عدل الهی بر جهاد بحث خواهد شد و در مبحث صفات فعلی، صفات اراده و حکمت الهی به عنوان مبانی جهاد طرح موضوع خواهد شد.

۱-۳-۲. قدرت الهی

قدرت لایتنهای الهی مبنایی مستحکم در الهیات جهاد به شمار می‌رود. قدرت عبارت است از مبدأیت فاعل مختار برای کاری که ممکن است از او سر بزند و هر قدر فاعل از لحاظ مرتبه وجودی، کامل تر باشد، دارای قدرت بیشتری خواهد بود و طبعاً موجودی که دارای کمال بی‌نهایت باشد قدرتش نامحدود خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۷). طبق تفسیر محققان از قدرت، موجود قادر هر وقت اراده کند آن کار را انجام می‌دهد و هر وقت اراده نکند انجام نمی‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۷۴). ولایت خدا بر هر چیز و هر کس، عبارت است از قدرت ذاتی و بی‌نهایت او که در برابر آن، همه ممکنات خاضع و مطیع‌اند. آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً» (آل عمران: ۸۳) به این معنی است که همه موجودات تسلیم او امر تکوینی خداوند هستند. تسلیم او امر تکوینی، پذیرش اراده الهی در تمام امور است؛ به عبارت دیگر رشته حوادث در ید توانای اوست اگر عده‌ای «طوعاً» و از روی اختیار تسلیم امر

الهی اند، بقیه نیز «کرها» و بنابر اقتضای سیطره و قدرت الهی، تسلیم اراده او خواهند بود. در نهایت اگرچه به ظاهر وعده تشکیل حکومت الهی با اختیار و مجاهدت مستضعفان محقق خواهد شد؛ ولی در حقیقت قدرت لایتنهای الهی در خردکردن هیمنه پوشالی مستکبران و اجرای اراده خود از طریق عباد صالح متجلی خواهد شد. اگر خداوند می فرماید: اراده کرد حکومت صالحان در زمین تشکیل دهد؛ بنابر مبنای توحیدی که خداوند را قادر مطلق می داند اقتضای قدرت این است که طبق اراده الهی حکومت صالحان تشکیل خواهد شد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ص ۳-۵).

خداوند وعده می دهد: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰) وعده قطعی نصرت الهی شامل حال کسانی می شود که از آیین خدا دفاع می کنند. خداوند توصیف می شود به اینکه «قوی و شکست ناپذیر» است و توانایی یاری رساندن به دوستانش را دارد (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۳۰۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۱۳)؛ بنابراین قدرت مطلق خداوند اقتضا می کند او قادر باشد بدون جهاد نیز دشمنان را نابود کند؛ اما جهاد را به عنوان آزمونی برای مؤمنان و اجرای سنت دفاع مشروع قرار داده است.

۲-۳-۲. کمال الهی

طبق مبنای توحیدی، خداوند متعال «کمال مطلق» است. به عبارتی، بنا بر کمالات نامتناهی الهی، هرگونه مفهومی که بر کمال دلالت داشته باشد و مستلزم

هیچ نقص و محدودیتی نباشد، قابل صدق بر خدای متعال خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۷).

از آنجا که خداوند، کمال مطلق است، هر فعلی که از او صادر می شود، باید با صفات کمالیه او سازگار باشد؛ بنابراین جهاد نمی تواند برای رفع نقص یا تأمین نیازی در ذات الهی تشریع شده باشد. ضرورت جهاد با هدف یاری رساندن به خدا یا پیروز ساختن دین خدا نیز کمال الهی را نقض نمی کند. این تعبیر در راستای تبیین فلسفه جهاد، به عنوان بستری برای تحقق کمال بندگان و جامعه انسانی است که در قرآن کریم با عناوین «رفع فتنه»، «دفع ظلم»، «حمایت از مستضعفان» و «بقای نظام توحید» بیان می شود.

۳-۲-۳. عدل الهی

عدل الهی اقتضا دارد خداوند موجودات را به گونه ای بیافریند که با هدف نهایی آفرینش متناسب باشد. همچنین مقتضای عدل الهی این است که خداوند هر انسانی را به اندازه استعدادش مورد تکلیف قرار دهد و با توجه به توانایی و تلاش اختیاری وی در مورد او قضاوت کند و پاداش یا کیفر در خور کارهایش به او بدهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۶۱).

خداوند به دلیل عدل ذاتی خود، جهاد را برای مقابله با ظلم و ستم تشریع کرده است: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹)؛ عدل الهی اقتضا می کند مظلوم حق دفاع داشته باشد و این اذن، عین عدالت

است. علت اصلی اجازه جهاد، «ظلم» واقع شده بر مسلمانان در این آیه ذکر شده است؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های جهاد در اسلام، دفع ظلم و ستمگری است (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۳۰۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۵۴۳).

۴-۳-۲. اراده الهی

قوانین عالم تکوین و تشریع، طبق اراده و تدبیر الهی جاری است. به عبارتی، تمام قوانین حاکم بر پدیده‌های طبیعی و سنت‌های الهی رایج در بین جوامع انسانی و قوانین وضع شده در قالب احکام تشریعی طبق اراده الهی در جریان است و اراده الهی اراده‌ای مافوق اراده‌هاست. با وجود جولان شیاطین انس و جن در روی زمین و گسترش فساد و ظلم و اراده‌های غیر الهی بر خاموش کردن نور حق و از بین بردن جریان حق‌گرا، در نهایت خداوند در دل این اراده‌های غیر الهی، اراده خود را بر تمام جهان مسلط خواهد ساخت. سنت و قانون خدا و خواست اوست که می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ...» (قصص: ۵) خدا چنین اراده کرده که قدرت خود را به دست طبقه ضعیف به زعامت صاحب عصر آشکار سازد و طبقه استثمارگر و ظالم را به دست مستضعفین از بین ببرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ص ۶۰)، تمام حوادث در میدان جهاد نیز تحت اراده خداوند است.

آیه «وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَتْصَرَّ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ» (محمد: ۴) نیز نشان می‌دهد اگر خدا می‌خواست می‌توانست بدون جهاد نیز دشمنان را نابود کند، اما



اراده کرده است که مؤمنان با جهاد آزمایش شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۴۱؛ طبرسی، ۱۳۹۲، ج ۲۳، ص ۴۵).

آیه «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره: ۲۵۱) تصریح می‌کند شکست دشمن به اذن خداوند است. عبارت «بِإِذْنِ اللَّهِ» تأکید می‌کند که اگرچه تلاش و جهاد از سوی رزمندگان بود، اما عامل اصلی شکست دشمن، اراده و فرمان خداوند است. پیروزی هدیه‌ای الهی است که به بندگان شایسته عطا می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۹۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۹۳؛ رضایی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۵۸).

۵-۳-۲. حکمت الهی

حکمت نوعی ویژگی است که به موجب آن، فاعل مختاری که دارای این ویژگی است، کارهایی را آگاهانه انتخاب می‌کند که با کمالات حقیقی او سازگار است و در نتیجه با بیشترین خیر و کمال همراه باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۱).

قاعده «لطف» در کلام شیعه بیانگر این نکته است که خداوند بنابر حکمت خود، هر آنچه بندگان را به سعادت و کمال نزدیک و از شقاوت دور می‌سازد، انجام می‌دهد (ربانی گلپایگانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۰۶) از جمله این الطاف، تشریع حکم جهاد در برابر ظالمان و مفسدان است. عدم اذن به جهاد در جایی که فساد و ظلم بیداد می‌کند، لطف الهی به بندگان را نقض می‌کند و با حکمت الهی سازگاری ندارد.

تمام افعال الهی هدفمند و براساس حکمت است؛ حتی کوچک‌ترین رخدادهای عالم هستی، بر مبنای حکمت رقم می‌خورد. حکم جهاد نیز براساس حکمت و اهدافی از طرف خداوند ابلاغ می‌شود. برخی از اهداف حکیمانه جهاد که در قرآن به آن اشاره شده است عبارتند از:

حمایت از مستضعفان: در تبیین فلسفه جهاد، به وظیفه مسلمانان در قبال مظلومان اشاره می‌شود. «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵)

«مستضعف»، ضعیف به معنای ناتوان ذاتی نیست، بلکه کسی است که به دلیل ستم دیگران از جهات فکری، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی یا سیاسی تضعیف و ناتوان شده است. این تعبیر شامل همه اقسام استعمار می‌شود (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۰۲ و ۲۰۳)؛ بنابراین یکی از اهداف جهاد دفاع از مستضعفان می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۹). حمایت از مظلومان شامل همه مظلومان در هر نقطه از جهان می‌شود. اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان در برابر فشار به مظلومان بی تفاوت باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸؛ رضایی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۰۴).

بقای نظام توحید: خداوند در قرآن به صراحت اعلام می‌کند اگر جهاد نباشد، مراکز عبادت و ذکر خدا ویران می‌گردد: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذِمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج: ۴۰) از آنجا

که عبادت خداوند از اهداف خلقت است، اجازه و مهلت نابودی نشانه‌های توحیدی به دشمنان حق، حکمت الهی را نقض می‌کند.

خداوند در این آیه بیان می‌کند که اگر برخی از مردم به وسیله برخی دیگر (مجاهدان) دفع نمی‌شدند، قطعاً دیرها، کلیساها، کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردید. معابد و مساجد سنگرهای بیداری و قیام علیه خودکامگان است و مستکبران نمی‌توانند آن‌ها را تحمل کنند. اگر مؤمنان غیور در برابر فعالیت‌های ویرانگر طاغوت‌ها سکوت کنند، تمام مراکز عبادی از بین خواهد رفت. جهاد و دفع ظلم توسط مؤمنان، ضامن بقای آزادی مذهبی و حفظ مکان‌های عبادت ادیان مختلف به عنوان محل ذکرنام خداست (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۳۰۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۱۳)؛ بنابراین جهاد در راه خدا برای بالابردن کلمه توحید و نشر دین وضع شده است (جعفری، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۴۷۸).

در نتیجه ماهیت جهاد اسلامی برای کسب مال، مقام، منابع طبیعی، بازار مصرف یا تحمیل عقیده و سیاست نیست؛ بلکه تنها برای نشر اصول فضیلت، ایمان و دفاع از ستم‌دیدگان است. این دو هدف الهی و انسانی از هم جدا نیستند و به یک حقیقت بازمی‌گردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰؛ رضایی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۰۳).

۳. رابطه توحید و جهان هستی

بخش دیگری از مبانی الهیاتی جهاد از مبانی توحیدی مرتبط با جهان هستی نشأت می‌گیرد در ادامه به بررسی این مبانی پرداخته می‌شود.

۳-۱. ربوبیت تکوینی

ربوبیت تکوینی به معنای تدبیر و هدایت همه موجودات توسط خداوند برای رشد و تکامل متناسب با استعدادهایشان است. آیه شریفه «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰) بیانگر این حقیقت است که خداوند به هر موجودی خلقت و نظام وجودی و استعدادهای خاص عطا کرده و هدایت تکوینی و قوانین در مسیر رشد را برای او مقرر داشته است. انسان نیز بنابر نوع آفرینش و استعدادهایش از رشد و کمال ویژه‌ای برخوردار است و ربوبیت تکوینی انسان به معنای تدبیر و هدایت انسان توسط خداوند در راستای رشد و تکامل متناسب با استعدادهایش است.

ربوبیت تکوینی به عنوان مبنای الهیاتی جهاد از جهت رفع موانع رشد تکوینی انسان‌ها قابل تحلیل است. به عبارت دیگر، ربوبیت الهی اقتضا می‌کند جریان هدایت و رشد انسان‌ها، با جهاد محقق شود. آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۹۳) به صراحت حکمت جهاد را رفع فتنه از زمین می‌داند. در اکثر تفاسیر، «فتنه» در این آیه به معنای شرک و بت پرستی تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۳۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۰؛ بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۶۰۵). عبارت «الدین

لله» به معنای آن است که اطاعت و فرمانبرداری تنها مخصوص خدا باشد و هیچ شریکی در حاکمیت و عبادت نداشته باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۳۴). یکی از اهداف جهاد در اسلام، مستقر ساختن حکومت الهی و نشر آیین توحید است که همان تحقق عینی ربوبیت خدا در زمین است. حاکمیت دین خدا به این معناست که دین یکسره از آن خدا شود و قانون خدا در زمین اجرا گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۰).

خداوند در آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) وعده حاکمیت صالحان بر زمین را داده است. تحقق این وعده، نیازمند مبارزه با طاغوت‌ها و نظام‌های ظالم است؛ زیرا آن‌ها مانع اصلی استقرار عدل و هدایت جمعی هستند؛ بنابراین، جهاد در چارچوب ربوبیت تکوینی، ابزاری برای تحقق سنت الهی و جانشینی صالحان و هدایت جامعه به سوی کمال مادی و معنوی محسوب می‌شود.

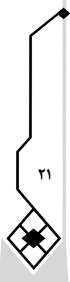
از طرفی در مکتب تربیتی اسلام، جهاد میدانی است که در آن انسان‌ها تحت «ربوبیت تکوینی» خدا قرار می‌گیرند تا به مرحله «رَبِّيُونَ» برسند. «وَكَايْنِ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا» (آل عمران: ۱۴۶) «رَبِّيُونَ» افرادی‌اند که مختص رب العالمین هستند و جز به کار خدا به هیچ کار دیگر مشغول نیستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴۱ و ۶۲)؛ بنابراین جهاد، بستر تکوینی برای رشد، استقامت و اتصال به منبع لایزال الهی است. مجاهد اطمینان دارد تدبیر امور و نتیجه نبرد در دست «رب» اوست. «لَنْ

يُصِيبُنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۵۱) این آیه نشان‌دهنده تسلیم در برابر ربوبیت و تدبیر الهی در میدان جهاد است (هاشمی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۸۹).

همچنین رابطه عاطفی و تکوینی رب و مجاهد در جهاد متبلور می‌شود. «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده: ۵۴) جهاد، نتیجه مستقیم محبت به «رب» و خواست او برای خالص شدن بندگانش است (هاشمی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۱۲۷). از این رو، جهاد در نظام الهیاتی اسلام رنگ عبودیت می‌گیرد و بستری برای قرب الهی و جریان ربوبیت تکوینی است.

۲-۳. ربوبیت تشریعی

ربوبیت تشریعی، دومین ساحت ربوبیت الهی پس از ربوبیت تکوینی است. ربوبیت تشریعی تدبیر و هدایت انسان‌ها از طریق ارسال پیامبران، نزول کتب آسمانی و تشریع قوانین الهی است. در این نظام، سه رکن اصلی وجود دارد. خداوند متعال به عنوان قانون‌گذار، شرایع و احکام الهی در حکم قانون و انبیا و اوصیای الهی در نقش مجریان قانون از ارکان اصلی نظام ربوبیت تشریعی است. ربوبیت تشریعی مکمل نیاز فطری انسان برای هدایت است؛ زیرا انسان به دلیل ضعف عقل عملی و غلبه امیال، توانایی تشخیص و پایبندی مستقل به مسیر کمال را ندارد.



از منظر قرآن کریم، جهاد در چارچوب ربوبیت تشریعی مشروعیت می‌یابد. خداوند در مقام قانون‌گذار، احکام جهاد را برای دفاع از حق، دفع ظلم و گسترش عدل تشریع کرده است. آیه «کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ...» (بقره: ۶۲۱) نشان می‌دهد جهاد یک تکلیف شرعی است و بر مبنای ربوبیت تشریعی بر مؤمنان واجب شده است.

در ربوبیت تشریعی، اجرای قوانین الهی بر عهده پیامبران و جانشینان معصوم آنان است؛ بنابراین، فرمان جهاد نیز تنها از سوی آنان صادر می‌شود و مؤمنان موظف به اطاعت از آن فرمان می‌باشند. قرآن در آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» (توبه: ۷۳) خطاب به پیامبر اسلام ﷺ فرمان جهاد را صادر کرده است.

ربوبیت تشریعی مکمل ربوبیت تکوینی است. در ربوبیت تکوینی، خداوند زمینه‌های طبیعی و تاریخی جنگ را برای دفع فساد تقدیر کرده است (بقره: ۲۵۱) و در ربوبیت تشریعی، همان هدف با ابزار دین و فرمان الهی تحقق می‌یابد. پیامبران و اولیای الهی با اجرای قوانین تشریعی جهاد، سنت‌های تکوینی الهی مانند نابودی طاغوت‌ها و استقرار صالحان را در عرصه تاریخ عملی می‌سازند.

بنابراین ربوبیت تشریعی به عنوان یکی از مبانی الهیاتی جهاد در قرآن بدین معناست که خداوند با تشریع احکام جهاد و واگذاری اجرای آن به انبیا و اولیای الهی، ابزاری قانونی و الهی برای دفع ظلم، رفع فتنه و ایجاد بستر امن برای هدایت و رشد انسان‌ها فراهم آورده است.

۳-۳. مالکیت مطلق الهی

مالکیت حقیقی جهان هستی در اختیار خالق و مدبر آن است. تمام مالکیت‌های دیگر، اعتباری و غیر واقعی‌اند. بنابراین، تدبیر امور در دست خالق و مالک حقیقی هستی می‌باشد. هر تدبیر و ولایتی بدون انتساب به مبدأ هستی باطل است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۹۷-۹۸).

طبق عقیده توحیدی، ولایت و مالکیت حقیقی و مطلق، مختص به خداست و هیچ کس در عرض خدا، بر دیگران و حتی بر نفس خود، ولایت تکوینی و ولایت تشریعی ندارد؛ بنابراین، هر حکومتی که از جانب خدا و به اذن او نباشد، طاغوت و مداخله در امر و حکومت خداست و همچنین پذیرش و فرمان برداری از آن، پذیرش طاغوت است. از آنجاکه مفهوم طاغوت اعم است شامل فرمانروایان مستبد و حکومت‌های غیر شرعی نیز می‌باشد. ولایت و مالکیتی که برای بعضی بندگان به اذن خدا مستقر می‌شود، اعتباری و قراردادی بوده و حقیقی نیست و قابل زوال و انتقال است؛ ولی ولایت و حکومت الهی حقیقی و ابدی است. ارتباط و تعلق مخلوق به خالق، ولایت و مالکیت حقیقی خالق را اقتضا می‌کند. در نتیجه تصرف در امور و اعمال ولایت بر دیگران، تصرف در سلطنت الهی و ملک خدایی است که بدون اذن الهی بر خلاف توحید در مالکیت است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲ تا ۲۵). از آنجاکه جان و مال انسان‌ها نیز ملک خداست؛ جهاد و کشتن در جنگ تنها زمانی مجاز است که خداوند به دلیل دفع



فساد بزرگتر از آن دهد. هیچ انسانی مالک جان دیگری نیست تا خودسرانه آن را بگیرد و هیچ حکومتی بدون پشتوانه الهی حق صدور جهاد را ندارد.

۳-۴. جریان قضا و قدر الهی در همه امور عالم

واژه «قدر» به معنای اندازه و واژه «تقدیر» به معنای سنجش، اندازه‌گیری و ساختن چیزی به اندازه معین است. واژه «قضاء» به معنای یکسره کردن، به انجام رساندن و داوری کردن استعمال می‌شود. منظور از تقدیر الهی این است که خدای متعال برای هر پدیده‌ای اندازه، حدود کمی و کیفی و زمانی و مکانی خاصی قرار داده است که تحت تأثیر علل و عوامل تدریجی، تحقق می‌یابد. منظور از قضاء الهی این است که پس از فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط یک پدیده، آن را به مرحله نهائی و حتمی می‌رساند. گاهی تقدیر و قضاء الهی، به معنای علم خدا به فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط پیدایش پدیده‌ها و نیز علم به وقوع حتمی آن‌ها به کار می‌رود و آن را «قضاء و قدر علمی» می‌نامند و گاهی به معنای انتساب سیر تدریجی پدیده‌ها و نیز انتساب تحقق عینی آن‌ها به خدای متعال، استعمال می‌شود و «قضاء و قدر عینی» نام می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۱ و ۱۵۲). بنابراین «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲)؛ تمام امور طبق قضا و قدر خداوند جاری است.

جریان قضا و قدر الهی در میدان نبرد به این معنی است که همه پیروزی‌ها و شکست‌ها مطابق قضا و قدر الهی رقم می‌خورد. جریان قضا و قدر الهی در

مبحث جهاد را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد:

تقدیر علمی: خداوند متعال با علم ازلی خود، مقدمات، اسباب و شرایط وقوع جنگ‌ها همچون اختلافات بشری، ظلم، فساد، یا ضرورت دفاع را می‌داند و نیز می‌داند در زمان معین و با تحقق آن اسباب، جنگ به طور حتم رخ خواهد داد. آیه «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا» (حدید: ۲۲) نشان می‌دهد تمام امور و حوادث در لوح محفوظ ثبت شده است و ناظر به همین تقدیر علمی است.

تقدیر عینی: در عالم خارج، خداوند سیر تدریجی پدیده‌ها را به گونه‌ای قرار داده که جنگ‌ها در بستر علل و عوامل طبیعی و انسانی تحقق یابند. برای نمونه، آیه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره: ۲۵۱) نشان می‌دهد خداوند به صورت عینی، دفع شر و فساد را از طریق جهاد در نظام آفرینش تقدیر کرده است. این همان جریان «قدر عینی» است که در آن حرکت تدریجی تاریخ به سوی برپایی حکومت صالحان با نبرد حق با باطل همراه شده است.

قضای الهی و مرحله حتمیت: هنگامی که اسباب و شرایط یک جنگ مانند طغیان دشمن، وجوب دفاع، تحقق وعده الهی بر یاری مؤمنان فراهم شد، خداوند آن را به مرحله «قضاء» می‌رساند؛ یعنی وقوع آن جنگ را حتمی و قطعی می‌کند. وعده‌های الهی درباره پیروزی نهایی مجاهدان در راه حق مانند «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا» نشان‌دهنده قضای حتمی الهی در نصرت جهاد حق علیه باطل است.



۵-۳. نظام واحد مجموعه عالم هستی

در آموزه‌های قرآنی، نظام واحد عالم هستی به این معناست که تمام اجزای جهان تکوین از ذرات تا کهکشان‌ها تحت اراده، تدبیر و قانون مندی الهی، هماهنگ و هدف‌مند در مسیر کمال خود حرکت می‌کنند «وَلَهُ أَشْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طُوعًا وَكَرْهًا» (آل عمران: ۸۳) و هیچ‌گونه ناهماهنگی در مجموعه هستی یافت نمی‌شود. «لَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَؤُتٍ» (ملک: ۳) در نظام واحد هستی، نظام تشریع با نظام تکوین هماهنگ است. دین و تشریع الهی، با فطرت بشری متناسب است و همسو و منطبق با قوانین عالم تکوین، به تکامل انسان و دیگر موجودات عالم می‌پردازد؛ زیرا شارع، همان خالق جهان است و ولیّ معصوم برگزیده خدا در تحقق و تطبیق قوانین تکوین و تشریع اهتمام دارد. ازاین‌رو همان‌گونه که عالم تکوین دارای نظام و قوانین واحد و تحت تدبیر الهی است، نظام تشریع و اداره امور مردم نیز باید طبق نظام واحد تکوین و تدبیر الهی عمل کند. در محیط اختیار بشر غیر از برنامه‌های تشریعی الهی نباید برنامه دیگری مطرح شود و تمام حکومت‌ها و ولایت‌ها باید به اذن خدا باشد تا همه در مسیر واحد به سوی هدف واحد و تکاملی حرکت کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: الف، ص ۲۳). ازاین‌رو هرگونه نظام قانون‌گذاری و حکومتی که براساس غیراین تشریع الهی شکل گیرد، موجب تزام، اختلاف اهداف و درگیری می‌شود؛ زیرا از فطرت واحد بشری و قوانین هماهنگ تکوین فاصله گرفته است.

از این منظر، جهاد در قرآن با هدف برقراری نظام واحد الهی و به جهت نفی

طاغوت‌ها و حکومت‌های متکثرو متعارضی است که براساس هواهای بشری قانون‌گذاری می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۳). یکی از مصادیق «فتنه» همان شرک و طغیان نظام‌های متعارض بشری است که مانع تحقق حاکمیت دین الهی می‌شود و هر جنگ و جهادی که برای تحقق ولایت الهی و نفی ولایت‌های طاغوتی باشد، عین هماهنگی با نظام تکوین و تشریع الهی است.

بنابراین بر مبنای نظام واحد عالم هستی و با توجه به این حقیقت که تنها یک نظام تشریعی و ولایت الهی می‌تواند بشر را از تراحمات و جنگ‌های ناشی از تعدد اهداف مادی نجات دهد، جهاد در قرآن کریم، به منظور از میان برداشتن موانع تحقق نظام واحد الهی و بازگرداندن جامعه به مسیر توحیدی و هماهنگی با قوانین تکوین است. در غیراین صورت، تعدد حکومت‌ها و تراحم منافع، منشأ جنگ‌های ویرانگر خواهد بود. همان‌گونه که جهاد با هدف برقراری عدل، با نظام تکوینی هماهنگ است؛ زیرا فساد و ظلم با نظام آفرینش ناسازگار است.

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی الهیاتی جهاد از منظر قرآن نشان می‌دهد جهاد در اسلام حلقه‌ای از نظام توحیدی حاکم بر هستی است. جهاد در نظام فکری اسلام، ریشه در عمیق‌ترین لایه‌های باور توحیدی دارد و بدون فهم این مبانی، نمی‌توان به درک صحیحی از ماهیت، مشروعیت، اهداف و محدودیت‌های آن دست یافت. بر



مبنای توحید ذاتی، مشروعیت جهاد تنها از آن خداست و هیچ انسان یا گروهی بدون اذن الهی حق آغازگری جنگ ندارد. توحید افعالی، انسان‌ها را واسطه‌ای در تحقق اراده الهی می‌داند. بر مبنای توحید صفاتی، قدرت مطلق، کمال نامتناهی، عدل، اراده و حکمت الهی، چارچوبی جامع برای تبیین علل، اهداف و آداب جهاد ترسیم می‌شود. عدل الهی، مقتضی جهاد به منظور مبارزه با ظلم و ستم است؛ حکمت الهی، جهاد را ابزاری برای حمایت از مستضعفان و بقای نظام توحیدی قرار می‌دهد و اراده الهی، تضمین‌کننده پیروزی نهایی جریان حق در تاریخ است. در ساحت ربوبیت تکوینی، جهاد به مثابه رفع موانع رشد و هدایت انسان‌ها معنا می‌یابد و در چارچوب ربوبیت تشریعی، جهاد به عنوان تکلیفی الهی در راستای حکومت دین الهی در جوامع تبلور می‌یابد. مالکیت مطلق الهی، هرگونه تصرف در جان و مال انسان‌ها را بدون اذن خداوند، نامشروع و مصداق شرک در حاکمیت می‌شمارد. قضا و قدر الهی، پیروزی‌ها و شکست‌ها را در چارچوب تقدیر و قضای الهی تبیین می‌کند. نظام واحد عالم هستی نیز نشان می‌دهد جهاد در اسلام، با هدف تحقق نظام واحد الهی و هماهنگ‌سازی جامعه بشری با قوانین تکوین تشریع شده است. از این منظر، هرگونه جنگ بدون اذن الهی، مصداق فتنه و طغیانی است که جهاد مشروع برای رفع آن تشریع شده است.



منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم. (۱۳۷۸). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دارالقرآن الکریم.
۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹). البرهان. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.
۳. جعفری، یعقوب (۱۳۹۸). تفسیر کوثر. قم: هجرت.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۹). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۳). مفردات الفاظ القرآن. تهران: المكتبة المرتضوية.
۶. ربانی گلپایگانی، علی (۱۴۱۸ق). القواعد الکلامیه. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۹). تجلی توحید در نظام امامت، قم: مسجد مقدس جمکران.
۹. _____ (۱۳۹۱الف). نظام امامت و رهبری. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)، مرکز تخصصی مهدویت.
۱۰. _____ (۱۳۹۱ب). انتظار عامل مقاومت. قم: بنیاد فرهنگی



- حضرت مهدی موعود (عج).
 ۱۱. _____ (۱۳۹۲). تجلی توحید در نظام امامت. قم: دفترتنظیم
 ونشرآثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
 ۱۲. _____ (۱۳۹۳). اصالت مهدویت. قم: دفترتنظیم ونشرآثار
 حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
 ۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیرالقرآن. قم:
 اسماعیلیان.
 ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیرالقرآن. تهران:
 ناصر خسرو.
 ۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: هجرت.
 ۱۶. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیرنور. تهران: مرکزفرهنگی درس های از
 قرآن.
 ۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳). آموزش عقاید. تهران: شرکت چاپ
 ونشر بین الملل.
 ۱۸. _____ (۱۳۹۱). نظریة حقوقی اسلام، محققان: محمد مهدی
 نادری قمی و محمد مهدی کریمی نیا. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام
 خمینی.
 ۱۹. _____ (۱۳۹۸). معارف قرآن. قم: انتشارات موسسه آموزشی و
 پژوهشی امام خمینی.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵). جواهر الکلام. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۲۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن. قم: مؤسسه بوستان کتاب.